

بسم الله الرحمن الرحيم

## پرچم فحشای جنسی - سیاسی !!

از نظر اسلام دو نوع روابط جنسی وجود دارد: یکی روابط جنسی مشروع (شرعی و طبق قوانین توحیدی و آیات قرآنی)، و دیگری روابط جنسی نامشروع (غیر شرعی و خلاف قوانین توحیدی و آیات قرآنی). روابط جنسی مشروع، محدود در زندگی زناشویی و منحصر به ازدواجی است که بین زن و مرد معقول و بالغ صورت میگیرد، که در آن، روابط جنسی معنادار و فرزندان دارای سرنوشت مشخص اند. و از این طریق استمرار خانواده ممکن میشود، خانواده ای که طبق قواعد و مقرراتی به اجراء در میآید، و حاصل آن، زندگی مشترک، مالکیت مشترک، فرهنگ مشترک، فرزندان مشترک، و سرنوشت مشترک میباشد. روابط جنسی نامشروع دو نوع است: یکی پنهانی است و در خفا صورت میگیرد و عمل زشتی است که بیشتر جنبه شخصی دارد و جرم و گناهش نیز تحت عنوان جرم و گناهی شخصی قابل بحث است. نوع دیگر روابط جنسی نامشروع، فحشاء نام دارد، و فحشاء یعنی ظاهر شدن و یا ظاهر کردن قبح و زشتکاری، و اصطلاحاً یعنی کشیده شدن (بدلیل ازدیاد و کثرت) و یا کشاندن عمدی روابط نامشروع جنسی به اماکن عمومی و صحنه اجتماع. اینست که فحشاء یک جرم و گناه اجتماعی بحساب میآید و موجب آلودگی محیط جامعه میشود. در اینجا است که مشکله حاد و مقابله با آن لازم و ضروری میگردد.

باید توجه داشت که هر کار خوب و بدی مظهري دارد، در رابطه با فحشاء نیز این اصل صادق است، و لختیگری مظهر فحشاء و اعلان آن و مروج آنست. بنابر این بجاست که لختیگری بدتر از زنای خلوت، تلقی، و عرضه اندامها و نقاط جنسی، پرچم فحشاء و فاحشه گری نامیده شود، نامگذاری که عیان می نماید. بعبارت دیگر کسی که اندامهای جنسی خود را بیرون می اندازد و آنها را در اماکن عمومی

به نمایش میگذارد و آنها را به انظار عمومی ارائه میدهد ، به معنای اینست که ایشان پرچم فحشاء را علم کرده است . و اعلام این علم در انظار و اماکن عمومی ، تبلیغ و ترویج روابط نامشروع جنسی ( فحشاء ) بوده و عامل عمومی شدن فساد در اجتماع و در ابعاد وسطوح مختلف میباشد . بدین صورت ، لختی‌گری و عریان شدن و عرضه اندامهای جنسی در انظار و اماکن عمومی ( کوچه ، خیابان ، ویدئو ، تلویزیون ، مراسمات ، نشستهای علنی و... ) فحشاء و فاحشه‌گری است .

لازم به توجه است که اندامهای لخت زنان جنسیت برانگیز است و مسئله لختی و لختی‌گری اصلا و از اول برای زنان مطرح شده است ، ولی با وجود این ، لختی و لباس نامحترمانه برای مردان نیز محل توجه است ، و زن و مرد در رابطه با لباس و پوشش ، از هر جنبه‌ای که باشد ، مطرح و محل توجه میباشند . هرچند جزئیات لختی و عریانی ، وابسته به عرف و عادت جوامع و ملل مختلف میباشد ، گرچه تقریبا همه بشریت روی زمین در مورد اینکه چقدر لختی انسانها نامحترمانه است و یا چه اندامهایی از بدن زنان جنسیت برانگیز است ، اتفاق نظر دارند ، و حتی آن زنانی هم که کارشان لختی‌گری و عرضه اندامهای خویش است خوب متوجه‌اند و معترف به جنسی بودن اندامهای لخت شده‌شان هستند ، و اصلا این زنان برای تحریک جنسیت مردان ، اندامهای خود را آرایش و تزیین و عرضه میکنند و عملا هم با نتایج و عواقب آن روبرو هستند و عکس‌العمل مردان مورد نظرشان را درک می کنند .

اگر معیار فحشاء و فاحشه‌گری را عمومی شدن زن و مرد و تعمیم شهوت رانی بدانیم ، لخت و عریان شدن زنان در انظار عمومی و عرضه مواضع جنسی به عموم مردم ، اعلان فحشاء و عین فاحشه‌گری است ، زیرا همگان و آنهایی که میخواهند میتوانند از اندامهای این زنان استفاده جنسی بکنند ، و این لخت شده‌ها نیز برای اینکه از آنها استفاده جنسی بشود ، و یا برای زناکاری ، و جهت اینکه مطلوبیت خود را به مشتریان نشان بدهند و با نفرات بیشتری تماس جنسی برقرار کنند ، اندامهای جنسی خود را به نمایش می گذارند ، همانگونه که یک ابزار فروش یا یک دکاندار ، ابزارها و کالاهای خود را برای فروش بهتر و جلب مشتریان ، به نحو خیلی زیباتر!! به عموم مردم عرضه میکند . به عبارت دیگر زمانی که چیزی برای عموم مردم عرضه میشود ، برای همگان و عموم مردم است . و هنگامی که

زنی اندامهای جنسی خود را در معرض عموم میگذارد، به صراحت اعلام میدارد که در اختیار عموم است و هر کسی میتواند از او استفاده جنسی ببرد، چه بصورت محدود و اولیه و چه بصورت گسترده و حد اکثر!!، چه بدون پول و بهاء! و چه با پول و بهاء! و چنین عملی مظهر فاحشه گری و پرچم فحشاء بحساب می آید. و اگر اینطور نیست، پس باسنهای برآمده!! و ساقهای تراشیده و آرایش شده!! و پستانهای علم شده!! و سینه های تمام لخت!! و شلوارهای چسبیده!! و کمرهای برهنه!! و لبهای خونین!! و زلفهای روی چشمان!! و رنگ ریزی سر و صورت!! و بیش از اینها!!، بحدی که میتوان آنها را زنان مصنوعی نامید، برای چه در خیابانها و بازارهای مختلف به نمایش در میآیند؟!، همان زنانی که یا نمیخواهند شوهر داشته باشند و یا اگر شوهر دارند معمولاً با او درگیر هستند و یا مطلقه اند!! چرا یک زن به چنین کارهایی مبادرت میورزد؟ جواب همگان یکی است، و آن اینست: برای برانگیختن هوس جنسی مردان و تحریک آنها و استفاده جنسی آنها و....، اینست که لختیگری، ترویج فحشاء و اعلام فحشاست. و مردانی هم که با چنین زنانی سر و کار پیدا میکنند از جنس آنان هستند و دارای یک ماهیت و محتوا میباشند و برده هوی و هوس اند.

همانطور که ذکر شد، فحشاء بمعنای شیوع و به صحنه آمدن زشتکاری و قباحت است، که در اثر افزایش و یا عمداً به صحنه اجتماع میآید. و لختی و لختیگری، علاوه بر اینکه ظاهر سازی جنسیت و عرضه اندامهای جنسی است و مروج عمومی سازی روابط جنسی بحساب می آید، مظهر و نماد بی شرمی و بی حیایی است، و بشریت را از ماهیت و حرمت و ارزش بشر بودن میاندازد، و آنچه از بشر لخت شده، اعم از زن و مرد، باقی میماند، هرزگی، دریدگی، مادیت، جنسیت هرزه، و حیوانیت عریان است. انسان بوسیله حرمت و احترام و انضباط، انسان می ماند، و به محض محروم و مسلوب شدن انسان از حرمت و اخلاق دینی و معنوی، از بشریت می افتد و سقوط میکند. و الحق یکی از پایه های حرمت انسان و یکی از ویژگیهای بشر بودن، لباس و پوشش است، همانگونه که لختی از ویژگیهای حیوانات محسوب میشود. در میدان واقعیت و عمل هم این اصل صادق است. و مثلاً همین مردم غرب که اکثراً راه لختی و لختی گری پیش گرفته اند، بیحیایی و بی شرمی، پایه فرهنگ آنهاست، و در سایه همین فرهنگ

است که هم جانی و غارتگر و استعمارگر و جنگ افروز هستند و هم مدافع آزادی و حقوق بشر و دمکراسی و.... میباشند!!، و در سایه همین بی‌شرمی است که از طرفی به خطرناکترین سلاحهای هسته‌ای و شیمیایی و..... مجهز شده و از طرف دیگر هر کسی را که خواستند متهم به داشتن سلاحهای کشتار جمعی میکنند!! جایی در این دنیای پهناور نمانده که در آن خون بشر را نریزند، ولی مخالفانشان را اربابی و قاتل!! معرفی میکنند. غربی که زنش اصلاً شوهر را برسمیت نمیشناسد و راه فاحشه‌گری پیش گرفته و به کالای جنسی همگانی تبدیل شده است، اما همان غرب، خواستار حقوق زنان میشود!!، و زن غربی که به کارگر بیچاره‌ای مبدل شده و زن بودنش بی معنا شده است و حتی به دلیل عدم توان بچه‌داری، جمعیت غرب دائماً در کاهش است، آنها را زنان آزاد و خوشبخت معرفی میکنند!! همان خوشبختانی که سالانه هزار هزار برای رهایی از زندگی پوک و فاقد محتوای غربی خودکشی میکنند و از شرمادیت و بی‌شرمی خلاص می‌شوند. و همه این مثالها بیانگر بیش‌تر بی‌شرمی غربی می‌باشند. بدیهی است که در جوامع مختل شده اسلامی هم که تحت سلطه استبداد و استعمار واقع شده و بی‌دینان بر آن حاکم هستند، بی‌شرمی و بی‌حیایی کم نیست، ولی باز به پای بی‌شرمی و دریدگی غرب نمیرسند. قابل ذکر است که حیا، وجدان و هویتی است که انسانها را مهار و دارای موضع و انضباط می‌سازد. و بی‌حیا کسی است که بی‌وجدان، بی‌قید و بند، و بی‌تربیت است و فاقد فرهنگ و عرف و اخلاق مشخص میباشد، و چنین کسی از هویت و شخصیت انسانی و معنوی بی‌بهره است، و ماکیاولیت که علناً و عملاً بر غرب حاکم است و فرهنگ غرب است، مظهر بی‌وجدانی و بی‌شرمی و بی‌هویتی میباشد. و اگر ماکیاولیت را بتوان هویت و فرهنگ نامید، این هویت و فرهنگ، نامش «هویت و فرهنگ مادی» است، که در آن، ماده مطلق است و بهر وسیله‌ای میتوان آن را کسب کرد، و این وسیله چه تن‌فروشی باشد، چه استعمارگری، چه غارتگری، چه رباخواری، چه دزدی، چه ارتشاء، (رشوه خواری)، و چه کار و تلاش، فرقی نمیکند، و در آن حلال و حرامی وجود ندارد، و قانون جنگل در آن متحقق شده است. و نظام استبدادی و استعماری حاکم بر جهان، که رهبری آن را ماکیاولیهای آمریکایی و اروپایی بعهدہ دارند، مظهر این جنگل ضد بشری و موجد جنگ و جنایت و تبعیض است.

لختی‌گری و فحش‌های جنسی می‌تواند شخصی و ناشی از تمایل افراطی و غیرمعقول و بی‌رویه به هوسرانی یا ناشی از اهداف کاسبکارانه از طریق تن‌فروشی و یا ممکن است محصول عقدهٔ حقارت و احساس‌پوکی باشد، که در اولی غرایض جنسی ارضاء میشوند، در دومی پول و مال کسب میشود، و در سومی از طریق عرضهٔ اندام‌های جنسی و جلب توجه دیگران، حس‌پوکی و حقارت جبران می‌گردد و نیز از چنگ فشارهای محیط فساد و فحشاء که در آن تبلیغات وسیعی برای لخت شدن انجام می‌گیرد، خلاص میشود. همچنین لختی‌گری و فحش‌های جنسی می‌تواند سیاسی باشد و برای اغفال و فاسد کردن جوانان و یا تخریب عرف و فرهنگ ملل دیگر صورت گیرد. و امروزه لختی و فحش‌هایی که از طرف غرب و اسلام‌ستیزان ترویج و تبلیغ میشود، نمونهٔ این لختی‌گری و فحش‌های جنسی است، و دامی است که برای جوامع اسلامی و جوانان مسلمان و نابودی عرف و سنن ملل اسلامی گسترده شده، و هدف نهایی آن، مقابله با فرهنگ اسلامی و غربی کردن جهان و استمرار سلطه و غارت استعمار و امپریالیسم است. و این تبلیغات و تلقینات با زور سلاح‌های مخرب غربی و سرکوبگری نظام‌های استبدادی همراه است، و اصلاً فلسفهٔ استبداد دست‌نشانده اینست که: چون با تبلیغات و ترویج غیراجباری کاری نمیتوان کرد، حضور استبداد دست‌نشانده ضروری میشود. و در تمام بلاد اسلامی و تحت سلطه این وضعیت در جریان است. البته جریان فاسدسازی و گمراه‌سازی تنها در ترویج و تبلیغ فحش‌های جنسی خلاصه نمی‌شود و همه چیز ملل اسلامی مورد هدف قرار داده شده است: لباس، ادبیات، خورد و خوراک، نوشیدنیها، وسایل آرایش و زینت، اسماء و اصطلاحات، تاریخ و ایام تعطیلی، نغمه و ترانه سرایی، ورزش، و دیگر زوایای فرهنگی و ثقافی، مورد تهاجم استعمار و امپریالیسم قرار گرفته است. اما لختی‌گری و فحش‌های جنسی که خانوادهٔ اسلامی را به دنبال خود متلاشی می‌سازد، در صدر جنگ استعمار و امپریالیسم فرهنگی قرار دارد. اینجاست که تبلیغات شوم استعماری و امپریالیستی علیه زنان و مردان مسلمان که لباس و پوشش انسانی و محترم دارند قابل فهم! میشود. و امروزه امواج امپریالیسم خبری، حجاب (پوشش) را مظهر سرکوب‌شدگی!! برای زنان تبلیغ میکند و وانمود می‌سازد که بی‌حجابی و لخت شدن و عمومی گشتن، مظهر آزادی و ترقی است!!، و امروزه کوشش گسترده‌ای صورت داده

میشود تا فاحشه گری کاری عادی!! تلقی گردد، و حتی به فاحشه ها احترام!! گذاشته شود. اما با وجود همه اینها در کشورها و جوامع اسلامی و علیرغم تبلیغات استعماری و بسیج شبکه های تبلیغاتی مختلف برای ترویج فحشاء، لختی گری و عرضه اندامهای جنسی، تنها در زنان رؤسای نظامهای استبدادی و اقارب و عمال آنها و حد اکثر در طبقه حاکمه وابسته به استبداد خلاصه میشود!!، و آنها هم بدین جهت راه لختی گری در پیش میگیرند و پرچم فحشاء را علم میکنند که با عدم رعایت عادات و رسومات استبدادی و استعماری، منافع و مصالحشان بخطر میافتد!!، اینست که آداب و عادات و پوششهای اینها با مردم و اقشار مختلف آن متفاوت و در تضاد قرار میگیرد. و جالبتر اینکه حتی خود رؤسای استبداد هم به دلیل وابستگی به استعمار و امپریالیسم و اکثرا تحت فشارهای آنها لختی و فحشاء را ترویج میکنند و کمتر بنابر اختیار خود بدان میپردازند.

نکته مهمی که نباید از آن گذر کرد اینست که استعمار و امپریالیسم مادی و دین ستیز، که نوع انسان را حیوانی جنسی، عقده ای، اقتصادی، سلطه جو، حيله گر، اهل نزاع، حریص و ... تبلیغ میکند و با همان تصور با او برخورد مینماید، لختیگری و لختی زنان را مانند مظاهر و نمادهای دیگر فرهنگ و تمدن مادی و استعماری غربی، از جمله میخوارگی، همجنس بازی، زندگی منفرد، عمومی شدن جنسی زن و مرد و ... مظهر و نماد نوگرایی و تجدد غربی ( مدرنیسم ) تلقی میکند، و میخواهد این مظهر و نماد را حتی بر مسلمین نیز تحمیل نماید، و لو به زور سلاح و نظامهای استبدادی دست نشانده ای که در جهان اسلام مستقر کرده است. اما واقعیت و تاریخ بشری بر خلاف این تلقی غربی قضاوت میکند، و تاریخ واقعی بشری، که مورد تایید همگان است به همه انسانهای روی زمین میگوید که: این مظاهر و نمادهای امروزه غربی، مظاهر و نمادهای بسیار قدیمی و حتی مربوط به مرحله ای میشوند که بشر هنوز وارد دوره رشد و دورانهای استقرار نشده بود و از لحاظ فرهنگ و تمدن هم بسیار اولیه و مبتدی بود. اینست که داستان لختی بشری در تاریخ، عمومی بودن جنسی زنان و مردان و عدم تشکیل خانواده، همجنس بازی و امثالهم، یاد آور دوره توحش بشری و مترادف وحشیت است. و نمونه های این نمادهای توحش را که در دوره های فساد و انحطاط بشری تکرار شده اند، مانند دوره های فترت (دوره هایی که آثار نبوت قبلی مسخ و هنوز پیامبر جدیدی ظهور نکرده است)، بوضوح میتوان در زمان

حضرت لوط و عصر نبوت اسلام مطالعه و ذکر کرد. و اکنون که همه مظاهر فساد و انحطاط بشری در غرب، که ناشی از طبیعت دوره فترت و عدم حضور خط و راهی توحیدی و الهی میباشد، تکرار شده اند، موجدان و سردمداران فرهنگ و تمدن فساد و انحطاط، در بی شرمی تمام آنها را مظاهر نوگرایی و تجدد معرفی میکنند!!، و میخواهند لختی گری دوره توحش بشری و همجنس بازان دوره لوط و میخوارگی عرب جاهلی و فاحشه خانه هایی که دایر کرده بودند و باپیروزی محمد برچیده شدند، نادیده بگیرند، ولی اینها جزو تاریخ مسلم و ثبت شده بشری هستند و امکان پنهان کردن آنها وجود ندارد. و اصلا خود مادیت و نفی نظام الهی و خدایی بودن بشر و انکار آخرت، مانند دیگر مظاهر انحطاط، جزو قدیمی ترین فکر بشر منحط میباشد، و اعراب جاهلی عصر نبوت اسلامی، بصراحت نبوت محمد و روز قیامت و استمرار حیات بشری بعد از مرگ مادی را انکار میکردند، و بهمین دلیل هم کافر تلقی شدند. و آیات: بل عجبوا ان جائهم منذر منهم فقال الكافرون هذا شیء عجیب، اذنا متنا و كنا ترابا ذالک رجوع بعید (ق- ۲، ۳) « اعراب جاهلی تعجب کردند که بیدارگری از میانشان بر خواسته است و کفار گفتند که این چیزی عجیب و باور نکردنی است!، آیا اگر مردیم و خاک شدیم زنده میشویم؟! چنین بازگشتی بسیار بعید و ناممکن است»، مصداق این طرز فکر عرب جاهلی است. اما عجبا که حالا غرب آمده و مادیت و انکار خدا و آخرت و نفی ماهیت خدایی بشر را نوگرایی و تجدد!! تبلیغ و ترویج میکند!! بگذریم از اینکه در منظر اسلام، قدمت زمانی، ملاک و معیار فساد و صلاح نیست، و ملاک و معیار فساد و صلاح، ماهیت و محتوای یک پدیده و یک عمل است. و این غرب و تمدن انحطاط آفرین و رؤسای فرهنگ مادی آن هستند که کالاهای فاسد و خیلی کهنه خود را بعنوان کالاهای جدید و تحت عنوان مدرنیت به بشریت میفروشد. البته باید قبول کنیم که یکی از این مظاهر فساد و انحطاط در تاریخ بشر بی سابقه بوده و ویژه فرهنگ و تمدن بسیار فاسد غربی است، و آنهاهم ازدواج دو زن باهم است! (همجنس بازی زنان!!). و این هم حقیقتا ناشی از این واقعیت است که اولاً بشر در طول تاریخ خود هیچ وقت به این اندازه از ماهیت انسانی خود خالی و دور نشده است، ثانیاً بشریت همیشه نیازمند تولید نسل بوده ولی غرب حالا بجای تولید نسل، کاگران بیچاره و آواره را استخدام میکند، همان کسانی که

اکثراً از چنگ نظام‌های استبدادی و دست‌نشانده غرب استعمارگر فرار میکنند و وطن این کارگران محل جنگ و غارت و سرکوبگری استعمار و استبداد شده است ، ثالثاً همجنس‌بازی زنانه غربی که با آلات مصنوعی مدرن غرب و با سخیف‌ترین و غیربهداشتی‌ترین شیوه‌ها صورت می‌گیرد ، فقط در سایه یک زندگی انفرادی و در محیطی که کسی به کسی ربطی ندارد ، میسر میشود ، و برای کسب پول آنچه بشر حتی تصورش را نکرده بود و نیازی هم بدان نداشت ، در چنین محیط‌هایی ، انجام داده میشود .

خدایا بشریت را از این بلای انسان بر انداز مادی و استعماری غرب که دنیا را به ویرانه مبدل ساخته و نظام بردگی را بر جهان تحمیل کرده نجات بده ، خدایا بشریت را در راه زوال استعمار و استبداد که عامل هر فساد هستی و مانع رشد بشریت اند و مسبب جنگ و ویرانی این دنیا شده اند یاری برسان ، خدایا بشریت را در راه بازگشت به هویت انسانی خویش که در سایه پیام انسانی قرآن و راه توحیدی و نجاتبخش اسلام حاصل میشود کمک بفرما .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۱۶ جمادی الثانی ۱۴۲۳ - ۳ شهریور ۱۳۸۱